

مفسری نامدار از خطه طوس

گذری بر احوالات میرزامحمد مشهدی و نگاهی به تفسیر تبیان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱

علی آهنگ^۱

مهدی جلالی^۲

چکیده

میرزامحمد بن محمدرضای قمی مشهدی (م. حدود ۱۲۵۱ ق.) صاحب تفسیر معروف "کنزالدقائق و بحر الغرائب" از علمای دوره صفویه است که آثار متعددی در زمینه‌های قرآنی، فقهی و کلامی از وی به یادگار مانده است. از شاخصه‌های اصلی عصر مؤلف، نهضت فارسی‌نویسی و غلبه دیدگاه اخباری و پیدایش آثار و تفاسیر روایی می‌باشد. میرزامحمد مشهدی نیز از یک سو تلاش نموده است همسو با این رویکرد علمی و فرهنگی، دو تفسیر روایی تبیان سلیمانی به فارسی و کنزالدقائق و بحر الغرائب را به عربی سامان دهد و از دیگر سو، با فاصله گرفتن از دیدگاه اخباری‌ها، اندیشه‌های اصولی را در تفسیر دخیل سازد. در این نوشته ضمن بیان شرح حال مفسر، به معرفی تفسیر تبیان سلیمانی و شیوه‌ی تفسیری وی پرداخته و آنگاه نگاهی اجمالی به نسخه‌های خطی تفسیر خواهیم داشت.

واژگان کلیدی: میرزامحمد مشهدی، تبیان سلیمانی، تفسیر روایی، تفاسیر فارسی، روش تفسیری

مقدمه

میرزا محمد مشهدی فرزند محمدرضا بن اسماعیل بن جمال الدین قمی، مفسری ادیب و محدثی فقیه بود که در دوره صفویه می زیسته و با بزرگانی چون ملامحسن فیض کاشانی (م. ۱۰۹۱ق.)، علامه مجلسی (م. ۱۱۱۱ق.)، علامه محمدباقر سبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، شیخ حر عاملی (م. ۱۱۰۴ق.) و ... معاصر بوده است.

زمان و مکان دقیق تولد و وفات وی توسط شرح حال نویسان ثبت نشده است، با این وجود آثار قلمی این مفسر سخت کوش اجمالاً حکایت از آن دارد که حدود ۱۰۵۰ق. در مشهد به دنیا آمده و عمده تألیفاتش را در همین شهر به رشته تحریر درآورده و تا بعد از ۱۱۰۷ق. زنده بوده است. مشخص نبودن زمان دقیق فوت این مفسر، حدس و گمان های متعددی را در این زمینه به دنبال داشته است. برخی به واسطه وجود وقف نامه ای که دختر مفسر بر روی جلد سوم تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب به سال ۱۱۱۱ق. نوشته، وفات وی را قبل از این سال دانسته اند (قمی مشهدی، ۱۳۸۷، ج ۱، مقدمه: ۱۲-۱۵). برخی نیز به واسطه این که آثاری از مؤلف به شاه سلطان حسین صفوی (حکومت ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ق.) تقدیم شده، احتمال داده اند که وی حداقل تا ۱۱۲۵ق. زنده بوده است (قمی مشهدی، ۱۳۶۶، ج ۱، مقدمه: ۱۶). البته آخرین سالی که برای وفات وی ذکر شده است، سال ۱۱۳۵ق. می باشد. حسینی جلالی (۱۴۱۱ق.)، ج ۲۵: ۱۳۷ در مجله تراثنا می گوید: «از آنجا که دلیلی بر وفات وی قبل از سال ۱۱۳۵ق. وجود ندارد، بعید نیست که وی تا این سال که افغان ها به مرکز کشور شیعی، یعنی اصفهان حمله کردند، زنده بوده و در این حمله وحشیانه، هم چون سایر بزرگان جهان تشیع به شهادت رسیده باشد».

وی را در زمره شاگردان علامه مجلسی، فیض کاشانی (خراسانی، ۱۳۴۷: ۷۱۷، ۷۶۲؛ محدث نوری، بی تا: ۱۰۱؛ امین، ۱۴۰۳ق.)، ج ۱: ۴۰۸؛ تهرانی، بی تا، ج ۱۲: ۲۲؛ حسینی، ۱۴۱۰ق.)، (۷۱) و پدرش محمدرضای قمی - از شاگردان برجسته شیخ بهایی و دارای اجازه از او - دانسته اند (حسینی جلالی، ۱۴۱۱ق.: ۱۲۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۸۷، ج ۱، مقدمه: ۱۸). هر چند حضور دائمی مفسر در مشهد و تألیف عمده آثارش در این

شهر، موضوع شاگردی وی نزد علامه مجلسی و فیض کاشانی را با تردید جدی مواجه می‌سازد، نکته‌ای که آیت ... معرفت (ره) در مقدمه خویش بر تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب نگاشته، آن را از منظر دور نداشته‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۶، ج ۱، مقدمه: ۱۳).

میرزا محمد مشهدی از جمله علمای پرکار دوره صفویه می‌باشد که حدود ۲۱ اثر به زبان فارسی و عربی تألیف نموده که نشان از مقام والای علمی او دارد. برخی از این آثار^۱ عبارتند از: تفسیر روایی *کنزالدقائق و بحرالغرائب* که فاخرترین اثر مؤلف به زبان عربی است؛ تفسیر روایی *تبیان سلیمانی*^۲ به زبان فارسی؛ *انجاح المطالب فی الفوز بالمآرب*^۳ شرح منظومه محبیه ابن شحنه حنفی (م. ۸۱۵ق.) که به کوشش سید محمد رضا حسینی جلالی در جلد ۲۵ مجله تراثنا به چاپ رسیده است؛ *التحفه الحسینیة*^۴ به فارسی در آداب نماز، احکام اموات، آداب سفر و ...؛ *سَلَم درجات الجنه فی فضائل ابی الائمه*^۵؛ *کاشف الغمه فی تاریخ الائمه*^۶؛ سته ضروریه^۷ رساله‌ی مختصری است به فارسی در کلام و اعتقادات مشتمل بر شش موضوع که به عقیده مؤلف دانستن آن بر هر مسلمانی واجب است و ... (قمی مشهدی، ۱۳۸۷، ج ۱، مقدمه: ۱۸).

۱. در معرفی برخی آثار از مقدمه حسین درگاهی بر تفسیر "کنزالدقائق و بحرالغرائب" استفاده شده است.
۲. تفسیری است فراگیر و مشتمل بر کل قرآن کریم که تاریخ تألیف جلد اول آن حدوداً در سال ۱۰۸۵ق. در مشهد مقدس بوده است. در ادامه به معرفی تفصیلی آن خواهیم پرداخت.
۳. این کتاب در سال ۱۰۷۴ق. در مشهد مقدس تألیف شده و از جمله اولین و مشهورترین آثار مؤلف می‌باشد به طوری که تذکره‌نویسان معاصر وی هم چون حر عاملی (بی‌تا، ج ۲: ۲۰۸) در "امل‌الامل" و افندی اصفهانی (۱۳۷۶، ج ۵: ۱۸۲) در "ریاض العلماء" و "حیاض الفضلاء" فقط از این اثر یاد می‌کنند. نسخه‌های خطی کتاب عبارتند از: ۱- نسخه شماره ۳۹۸۵ و ۴۰۳۵ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی ۲- نسخه شماره ۱۵۸۷ کتابخانه آیت‌الله مرعشی ۳- نسخه شماره ۱۰۶۹۳/۳ کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی قم (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۸۶).
۴. آن را به نام سلطان حسین صفوی نوشته است. تک نسخه‌ی آن به شماره ۳۳۵۷ در مرکز احیاء قم موجود است (همان، ج ۲: ۲۷۱).
۵. ترجمه و شرح فارسی چهل حدیث است در فضائل امیرالمؤمنین (ع) که آن را به سلطان حسین صفوی تقدیم کرده است. تک نسخه‌ی آن به شماره ۵۹۲۰ به خط میرزا احمد تبریزی در کتابخانه ملک تهران موجود است (همان، ج ۶: ۱۸۷).
۶. این کتاب در سال ۱۰۷۵ق. در مشهد مقدس و به زبان عربی تألیف شده و تک نسخه‌ی آن به شماره ۲۰۰۰/۲ به خط صادق قمی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است (جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: همان، ج ۸: ۳۷۲). اخیراً این اثر توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ترجمه و چاپ شده است.
۷. این رساله به نام سلطان حسین صفوی نوشته شده است. نسخه‌ای از آن اهدایی نادرشاه افشار به سال ۱۱۴۵ق. در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به شماره ۱۴۳ موجود است (همان، ج ۶: ۴۴).

رفع یک شبهه

در انتساب این تفسیر به میرزامحمد مشهدی شکی نیست، هرچند به واسطه این که مؤلف در برخی از تألیفاتش هم چون *انجاح المطالب*، *تبیان سلیمانی*، *معاد و حشر اجساد* و ... خود را به عنوان "میرزامحمد بن رضا القمی" معرفی کرده و در *کنزالدقائق و بحر الغرائب* و سایر آثار نام پدرش را "محمد رضا" ثبت نموده است، از این رو، برخی از پژوهشگران را بر آن داشته تا احتمالی را مطرح کنند مبنی بر این که ممکن است مؤلف *تبیان سلیمانی* و *کنزالدقائق و بحر الغرائب* یک فرد نباشد (همان، ج ۱، مقدمه: ۱۴).

البته این احتمال از چند روی باطل است از جمله: ۱- در پایان جلد اول *تبیان سلیمانی* نسخه موجود در کتابخانه کاخ گلستان به شماره ۲۸، نام پدر مؤلف محمد رضا ثبت شده است. ۲- در تفسیر *کنزالدقائق و بحر الغرائب*، ذیل آیه ۷۱ سوره بقره ضمن آوردن بخشی از یک روایت طولانی، متذکر می شود که تفصیل آن را در تفسیر دیگر خود موسوم به *تبیان سلیمانی* آورده است (همان: ج ۱: ۲۷۶).

شیوه تنظیم تبیان سلیمان

این تفسیر فارسی از گونه تفسیر مزجی^۳ با روش روایی می باشد که مفسر آن را با مقدمه ای کوتاه و مسجع آغاز نموده و ضمن معرفی مختصر خود، هدف و روش تفسیری اش را پی ریزی «تفسیری به زبان فارسی که موافق احادیث ائمه علیهم السلام و طرق علمای شیعه - رضوان الله علیهم - بوده باشد»^۴، بیان می کند. لذا با همین انگیزه وارد عرصه تفسیر شده و پس از اشاره به نام سوره و تعداد آیات و مکی یا مدنی بودن

۱. تمّ المجلد الاول من تفسیر الذی ألفها الشيخ الفاضل الكامل الجامع بالمنقول والمعقول میرزامحمد بن محمد رضا المشهور بالخياط علی يد المذنب المسیء محمد اشرف ابن محمد الطبسی فی المشهد الرضوی علی مشرفه الف الصلاه و التحیه فی يوم الاحد ثامن عشر من شهر ربیع الثانی سنه خمس و ثمانین بعد الالف (۱۰۸۵ ق.) من هجره النبویه صلی الله علیه و آله.

۲. می گوید: «والحدیث طویل أخذت منه موضع الحاجه ... و قد ذکرته بتمامه فی تفسیرنا الموسوم بالتبیان و علی الله التکلان» (قمی مشهدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۷۶).

۳. تفسیر مزجی به تفسیری گفته می شود که مفسر مطالب تفسیری خود را بسیار کوتاه و موجز در اثنای کلام الهی ذکر می کند.

۴. مقدمه مؤلف بر *تبیان سلیمانی*.

آنها، روایاتی را در فضیلت تلاوت سوره می آورد.

وی در ادامه به تقطیع و ترجمه آیات پرداخته و نهایتاً با بهره گیری از روایات معصومین (ع)، آیه‌ها را تفسیر می‌کند. در کار تفسیر به تبیین معنای واژگان و مفردات آیه می‌پردازد^۱ و به اصل و خاستگاه مفردات توجه نشان می‌دهد^۲ و گاه با استشهاد به اشعار فارسی و عربی، سعی در ملموس نمودن معنای آیه را دارد.^۳ با آن که به اقوال مختلف معصومین (ع)، صحابه، تابعین و دیگر مفسرین توجه نشان می‌دهد، اما از آن جا که مبنای وی ایجاز و خلاصه‌نویسی بوده است، گاه به ترجمه آیه اکتفا نموده و بدون ذکر روایتی یا نقل قولی و یا بیان نظر خویش، از آن می‌گذرد. توجه به شأن نزول آیه‌ها و داستان‌های انبیاء (ع) و امت‌های پیشین از این قاعده ایجاز‌گویی مستثنی می‌باشد، به گونه‌ای که کمتر آیه‌ای را می‌توان یافت که مفسر به شأن نزول آن (اعم از صحیح و جعلی) و یا داستان مرتبط با آن (اعم از واقعی و اسرائیلی)، اشاره نکرده باشد.

یکی از موضوعاتی که توجه ویژه مفسر را به خود معطوف ساخته، مقوله "تناسب آیات و سوره" می‌باشد که در جای جای تفسیر نمود دارد و گویا دغدغه اصلی مفسر بوده که به خوبی از عهده آن برآمده است.

مفسر در تبیین سلیمانی مباحث کلامی را به اختصار برگزار نموده و تفصیل آن را به سایر آثار کلامی اش از جمله "مراصدالعصمه والضلالة" - که امروزه اثری از آن در دست نیست - ارجاع می‌دهد^۴، اما در زمینه مباحث فقهی ضمن تبیین دیدگاه شیعه و نقد دیدگاه سایر مذاهب اسلامی، نظر فقهای پیشین شیعه را آورده و از میان آنها یکی را

۱. برای نمونه ذیل آیه ۲۶ سوره بقره می‌گوید: «و "فسق" در لغت خروج است و "فاسق" به شرع آن را گویند که از دایره فرمان برداری بیرون رود».

۲. بعضی گویند: "آدم" عبرانی است و آدم به لغت ایشان، خاک را گویند و بعضی گویند: عربی‌الأصل است بر وزن أفعّل و به جهت آن که او را از آدمین زمین یعنی روی ظاهر او خلق کرده‌اند، آدم نام نهادند.

۳. ذیل آیه ۱۳ سوره بقره می‌گوید: «(ألا) بدانید ای مؤمنان [آنهم] به درستی که منافقان (هم السفهاء) ایشانند بی خردان (ولکن لا یعلمون) و لیکن نمی‌دانند که هیچ نمی‌دانند، یعنی در جهل مرکب‌اند: آن کس که نداند و نداند که نداند/ در جهل مرکب ابدالدهر بماند».

۴. برای نمونه ذیل آیه ۳۵ سوره بقره بعد از بیانی موجز در باب عصمت آدم (ع) و سایر انبیاء (ع) می‌گوید: «و تحقیق این سخن و اثبات عصمت انبیاء بر سبیل تفصیل در رساله "مراصدالعصمه والضلالة" مذکور شده و إن شاء الله در این کتاب در موضعی که لایق به آن باشد، نیز مذکور خواهد شد».

ترجیح می دهد.^۱

منابع و مصادر مفسر در توضیح و تفسیر آیات

۱- قرآن کریم: روشن سازی مفاد آیات قرآن کریم با بهره گیری از سایر آیات و به عبارتی روش قرآن به قرآن تنها روش تفسیری مورد اتفاق و اهتمام مفسرین بوده و هست و هر مفسری به فراخور توان علمی خویش، استنطاق قرآن کریم را وجهه همت خود ساخته است. چرا که در کنار آیاتی که قرآن را "نور مبین"^۲ و "تبیان کل شیء"^۳ معرفی می کنند روایات متعددی از معصومان (ع) و سیره عملی آنها بر فهم آیات به وسیله دیگر آیات تاکید دارد.^۴

میرزا محمد مشهدی نیز در جای جای تبیان سلیمانی از این شیوه تفسیری استفاده کرده است. عملکرد وی در این زمینه به دو گونه است: گاه در تفسیر آیه مستقیماً به آیه ای دیگر استناد می جوید، مثلاً ذیل آیه ۱۸ سوره بقره می گوید: «(عمی) کورانند به دیده بصیرت از دیدن حق (فَهْم)، پس ایشان (لَا یَرِجَعُونَ) باز نگردند از این صفت ها، یعنی چنان چه در دنیا بدین صفت موصوفند، در عقبی نیز بدین عقوبت مبتلا خواهند بود». چنان که در موضع دیگر می فرماید: «و نَحْشُرُهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ عَلٰی وُجُوهِهِمْ عُمِیًّا و بُكْمًا و صُمًّا» (قرآن، اسراء: ۹۷).

گاه نیز این شیوه تفسیری را با تکیه بر روایات پی می گیرد، برای نمونه ذیل آیه ۷ سوره حمد در ضمن روایتی از حضرت علی (ع) "مغضوب علیهم" را چنین معنا می کند: «و از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که آن حضرت فرمود که خدای تبارک و تعالی امر کرد بندگان خود را که از او بخواهند طریق "منعم علیهم" را و پناه جویند به او از طریق "مغضوب علیهم" که عبارت از یهودند، چنان که خدای تبارک و تعالی درباره

۱. برای نمونه ذیل آیه ۱۱۵ سوره بقره: «فَأَیْنَمَا تَوَلَّوْا فَنَّمَّ وَجْهَ اللَّهِ» تفاوت دیدگاه فقهی ابن ابی العقیل و ابن بابویه با شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن جنید، ابی الصلاح، سلار، ابن حمزه، ابن ادریس، ابن بزاج و علامه حلی را متذکر شده و در پایان دیدگاه اخیر را ترجیح می دهد.

۲. وَأَنْزَلْنَا الْيُكْمَ نُورًا مَبِينًا (قرآن، نساء: ۱۷۴).

۳. وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ (قرآن، نحل: ۸۹).

۴. از جمله روایت مشهور: «القرآن یفسر بعضه بعضاً».

ایشان می فرماید: قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ ذَلِكُمْ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ [وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ] (مائده: ۶۰)». و در معنای "الضالین" می گوید: «چنان که از حضرت امیر صلوات الله و سلامه علیه منقول است که فرمودند که "ضالین" آن جماعت اند که خدای تبارک و تعالی در باب ایشان می فرماید: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَ ضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (مائده: ۷۷)».

۲- **روایات:** آن گونه که مفسر در مقدمه تفسیر یادآور می سازد و پیش تر بدان اشارت رفت، هدفش پی ریزی تفسیری بر مبنای روایات پیامبر (ص) و معصومین (ع) بوده است. وی با مراجعه به جوامع حدیثی و تفاسیر روایی شیعه، روایات تفسیری مرتبط را با ذکر نام کتاب یا نویسنده آن و آخرین راوی از امام (ع) نقل می کند و بیشترین بهره را از "کافی" کلینی و آثار صدوق هم چون من لایحضره الفقیه، اعتقادات، توحید، امالی و ... برده است.

برای نمونه ذیل آیه "بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ" (قرآن، بقره: ۸۱) می گوید: «و محمد بن یعقوب صاحب کلینی به اسناد از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام نقل کرده که فرمودند در تأویل این آیه که خدای تبارک و تعالی می فرماید که آری کسانی که کسب کنند سیئه و گناهی و احاطه کند به ایشان خطیئه ایشان که آن خطیئه عبارت است از انکار امامت امیرالمؤمنین، آن جماعت اصحاب نارند که دائم درنارند».

ذیل آیه ۱۵۳ سوره بقره می آورد: «شیخ صدوق محمد بن بابویه قمی در کتاب اعتقادات از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود که هیچ آیتی نیست در قرآن که اول آن "یا ایُّهَا الذِّیْنَ آمَنُوا" باشد مگر آن که علی بن ابی طالب امیر و قائد و شریف و اول آن است». یا ذیل آیه "كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ" (قرآن، بقره: ۱۶۸) می گوید: «چنان که در حدیث صحیح در من لایحضره الفقیه مروی است که سخت ترین مردم به حسب حسرت روز قیامت، آن کسی است که مسح خود بر پشت دیگری بیند».

بهره‌گیری از روایات در تفسیر قرآن کریم اگرچه مفسر را از ورود به وادی تفسیر به رأی باز داشته، اما وجود برخی روایات تفسیری ضعیف و جعلی و عدم تفکیک روایات تفسیری از روایاتی که به بطون آیات اشاره دارد، نقیصه اصلی این تفسیر و عموم تفاسیر نقلی می‌باشد. در این زمینه بعضاً با روایاتی روبه‌رو هستیم که به انحاء مختلف مصداق آیات را اهل بیت (ع) و یا دشمنان آنها دانسته و معجزاتی رؤیاپردازانه را به تصویر کشیده است که برخی از آنها زائیده تفکرات افراطی غالیان می‌باشد. روایاتی که در تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) به وفور وجود دارد و از آن جا وارد این تفسیر شده است. از جمله ذیل آیه "يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ" (قرآن، بقره: ۹)، پس از آن که سبب نزول آیه را عداوت و توطئه پنهانی خلفای ثلاثه علیه حضرت علی (ع) می‌داند، ماجرای خیالی را به تصویر می‌کشد که پس از مطلع شدن پیامبر (ص) از این توطئه پنهانی، جهت نمایان ساختن فضیلت آن حضرت، دشمنانش را به بیرون از مدینه دعوت می‌کند و در پای کوهی به علی (ع) می‌فرماید به این کوه دستور بده تا طلا و نقره شوند و چنین می‌شود.

تفسیر تبیان سلیمانی با آن که در حیطه تفاسیر نقلی طبقه بندی می‌شود، اما دخالت دیدگاه‌های مفسر در حوزه‌های تفسیری، فقهی، کلامی، قصص قرآن و ... آن را از تفسیر روایی صرف خارج ساخته و به عنوان تفسیری روایی - درایی مطرح کرده است. وی در برخی مواضع با بررسی سندی، روایت حکم به ضعف آن می‌دهد که در تفاسیر روایی دوره صفویه که دوره حاکمیت دیدگاه اخباری است، کم‌تر بدان برمی‌خوریم. برای مثال در تفسیر آیه "وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ" (قرآن، بقره: ۱۱۵)، پس از بیان اختلاف دیدگاه فقهی ابن ابی‌العقیل و ابن بابویه با دیدگاه فقهی شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن‌ادریس، علامه حلی و ... در باب تکلیف نمازگزار به هنگامی که جهت قبله مشخص نباشد، دیدگاه اخیر را پذیرفته و روایات مورد استناد دیدگاه اول را توجیه و یا رد می‌کند و می‌گوید: «و دلیل ابن ابی‌العقیل و ابن بابویه آن حدیث صحیحی است که از حضرت باقر علیه السلام مروی است که مجزی است تحری همیشه، هرگاه

جهت قبله معلوم نباشد».^۱ از طرفی، سماعه از آن حضرت روایت کند: «پرسیدم از نماز در شب یا روز که آفتاب و ماه و ستارگان دیده نشود، فرمود که برای خود جهد کن و به جهد یک جهت برای قبله اختیار کن».^۲

میرزاهمدمشهدی در توجیه روایت اول که از سند صحیحی برخوردار است می گوید: «جواب از حدیث اول آن است که آن روایت محمول است بر آن که وقت تنگ باشد بر کسی که تحری کند با غلبه ظن» و روایت دوم را به دلیل ضعف سندی قابل استناد ندانسته و می گوید: «سند او ضعیف و حدیث مرسل است».^۳

۳- اقوال و گفتار صحابه و تابعان: ارباب تفسیر بویژه تفسیر نقلی عنایت خاصی به تفاسیر سلف (صحابه و تابعان) داشته و برای آن جایگاه بلندی قائل شده اند، زیرا آنان به عصر نزول قرآن نزدیک بوده و از اسباب نزول و زمینه های فرود آمدن آیات، آگاهی کامل داشتند. البته این عنایت به اقوال و گفتار سلف به جهت پیشگامی آنان در امر تفسیر یک ضرورت است، مادامی که از حیطة تقلید خارج و با دیدی موشکافانه مطمح نظر قرار گیرد.^۴ میرزاهمدمشهدی روایات متعددی را از صحابه ای هم چون ابن عباس^۵، ابن مسعود^۶، جابر^۷، ابی بن کعب^۸ و تابعانی هم چون قتاده^۹، مجاهد^{۱۰}، حسن^{۱۱}،

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرْبٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) يُجْزَى التَّحْرِي أَيْدًا إِذَا لَمْ يَعْلَمْ أَيْنَ وَجْهَ الْقِبْلَةِ (طوسي، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۵).

۲. الْخَسْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْيَحْسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذَا لَمْ تَرَ الشَّمْسَ وَلَا الْقَمَرَ وَلَا النُّجُومَ. قَالَ: تَجْتَهِدُ رَأْيِكَ وَتَعَمَدُ الْقِبْلَةَ جَهْدَكَ (همان، ج ۲: ۴۶؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۲۸۴).

۳. در سند روایت اخیر، ضمن ارسال آن افرادی چون حسن (حسین) بن قیام، زرعه بن محمد حضرمی و سماعه بن مهران وجود دارند که همگی متهم به "وقف" هستند (جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۲۴، ۱۳۷؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۵۹؛ ابن داوود، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۳۸).

۴. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۸۶)

۵. ذیل آیات ۳۴ تا ۳۷ سوره بقره «و ابن عباس و ابن مسعود بر آنند که این صورت در بهشت روی نمود».
۶. ابن مردویه در کتاب "مناقب" آورده که عبدالله مسعود فرمود که ما در حیات حضرت رسالت صلی الله علیه و آله این آیت را چنین می خواندیم که «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک - ان علیا مولی المؤمنین - و ان لم تفعل فما بلغت رسالت».

۷. از جمله ذیل آیات ۶۰، ۱۱۵، ۲۰۸ و ۲۸۵ سوره بقره، ۱۷۶ سوره نساء، ۴۵ سوره مائده و ...

۸. ابی بن کعب از سید کاینات صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که سوره ی مائده بخواند حق تعالی به عدد هر یهودی و نصرانی که در دنیا نفس کشیده، ده حسنه بنویسد و ده سیئه محو کند و ده درجه رفع نماید.

۹. به قول قتاده: «متابعان حضرت رسالت پناه اند، یعنی مؤمنان».

۱۰. از مجاهد منقول است که برق فرشته ای است با چهار روی ...

۱۱. ثعلبی به سند از حسن نقل کرده که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود: شیطان لعین به حضرت پروردگار خطاب کرد که به عزت و عظمت تو سوگند که من از فرزند آدم جدا نشوم، مگر آن که روح او از تن جدا شود. حق

وهب و سدّی^۱ و ... نقل کرده است. در تبیان سلیمانی عباراتی چون "آورده اند"^۲، "گفته اند"^۳ و ... با فاعلی نامعلوم به صورتی گسترده به کار رفته، بویژه در مقوله شأن نزول ها و داستان ها که مبادی ورود اسرائیلیات و روایات غیرمعتبر می باشند. استفاده از این عبارات، کار منبع یابی و اعتبارسنجی اقوال را بسی دشوار نموده و از ارزش تفسیری مفسر کاسته است.

۴- کتب تفسیری: وی غالباً روایات تفسیری را از تفاسیر روایی متقدم شیعه هم چون تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی و مجمع البیان طبرسی می آورد و در سایر مباحث تفسیری متأثر از کشف زمخشری و انوارالتنزیل بیضاوی می باشد و در باب قصص و شأن نزول ها به جواهرالتفسیر کاشفی و معالم التنزیل بغوی ارجاع می دهد. منابع مورد استفاده مفسر از اعتبار یکسانی برخوردار نیستند و برخی هم چون تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) جداً مورد تردید است^۴ و تفسیر قمی نیز آمیزه ای است از روایات علی بن ابراهیم قمی و روایات غیرمعتبر ابوالجارود.^۵ از جمله تفاسیری که مستقیماً مورد استفاده میرزامحمد مشهدی قرار گرفته، جواهرالتفسیر و موهب علیه ملاحسین واعظ کاشفی

تعالی جواب فرموده که به عزت و عظمت خودم سوگند می خورم که باز ندارم قبول توبه را از بنده خود، تا آن که روح او به غرغره رسد.

۱. از وهب، قتاده، مجاهد و سدّی نقل است که عیسی با هفده مرد خواری در جائی بود چون یهود گرد ایشان گرفتند، حق تعالی شبه عیسی را بر همه افکند ...

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ذیل آیات ۲۱، ۲۶، ۳۰، ۴۱ و ۵۵ سوره بقره و ۳۵، ۳۹، ۴۱، ۱۱۳ و ۱۲۰ سوره آل عمران و ...

۳. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ذیل آیات ۲۲، ۳۵، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۹، ۵۷، ۵۸ و ... سوره بقره.

۴. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) شامل فاتحه الکتاب و برخی از آیات سوره بقره تا آیه ۲۸۲ می باشد. گویند که این تفسیر املاء امام عسکری بر ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سیار از اهالی استرآباد می باشد که توسط ابوالحسن محمد بن القاسم الخطیب معرف به مفسر استرآبادی از آن دو روایت شده است. هم دو نفر اول و هم فرد اخیر مجهول می باشند (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۴۷۸). مفسر استرآبادی را ابن غضائری "ضعیف کذاب" دانسته و آیت الله خویی (ره) با لفظ "مجهول" از او یاد کرده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸: ۱۶۳). یکی از پژوهشگران معاصر نیز پس از تحقیقی درازدامن و بررسی دیدگاه های موافق و مخالف در باب این تفسیر معتقد است هرچند دلیل معتبری بر صدور همه آن از امام (ع) وجود ندارد، ولی نمی توان آن را یکسره ساختگی دانست (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۹۷).

۵. این تفسیر آمیزه ای است از روایات ابوالجارود - معروف به سرحوب سرکرده جارودیه که سخت مورد سرزنش و نفرین امام صادق (ع) قرار گرفت - و املائات مفسر بر شاگردش ابوالفضل علوی که توسط وی جمع آوری و به علی بن ابراهیم نسبت داده شده است (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۲۳).

سبزواری^۱ (م. ۹۱۰ق.) می‌باشد، به گونه‌ای که می‌توان گفت تبیان سلیمانی نمونه شیعی جواهرالتفسیر می‌باشد. از آن جا که کاشفی سمت واعظی و خطابه‌گویی داشته، تمایل زیادی به نقل اسرائیلیات نشان می‌دهد و با توجه به استفاده فراوان میرزامحمد مشهدی از این تفسیر، طیف وسیعی از قصص اسرائیلی به تبیان سلیمانی راه یافته است. البته نوع و میزان استفاده‌ی وی از این تفاسیر متفاوت است، گاه با اشاره به منبع مورد استفاده، قضاوت در باب صحت و سقم مطلب نقل شده را به خواننده وامی‌گذارد^۲ و گاه به نقد صریح و تبیین اقوال مفسران می‌پردازد. برای نمونه ذیل آیه ۳۵ سوره بقره پس از بیان نظر صاحب جواهرالتفسیر در باب خلقت حوا از پهلوی چپ آدم (ع)، این دیدگاه را همسو با نظر جمهور اهل سنت دانسته، آن را نقد می‌کند و در تأیید درستی این نقد، روایتی از امام صادق (ع) می‌آورد که حوا و آدم از یک خاک سرشته شده‌اند.^۳ از طرفی، ذیل آیه ۵۷ سوره بقره نزول "مَن" و "سَلوی" بر بنی اسرائیل را متذکر می‌شود و با اشاره به سخن برخی از مفسران که "سَلوی" را از ریشه تسلی و آرامش نفس گرفته‌اند، او آن را ضعیف دانسته و می‌گوید: نارضایتی و بهانه‌گیری بنی اسرائیل بعد از نزول "مَن" و "سَلوی" دلیلی است بر عدم صحت این قول.^۴

رویکرد مفسر به اسرائیلیات

اشاره موجز قرآن کریم به برخی داستان‌ها که با هدف عبرت‌آموزی بیان شده است، برخی صحابه و تابعان را بر آن داشت تا با مراجعه به اهل کتاب، تفصیل ماجرا را جویند

۱. کمال‌الدین حسین بن علی واعظی کاشفی (م. ۹۱۰ق.) خطیبی عالم، امامی و کثیرالتألیف بود که در تفسیر، عرفان، ادب، نجوم، علوم غریبه، فن خطابه و ... آثاری از او به جای مانده است. وی در سبزواری و سایر بلاد شیعی اظهار تشیع می‌کرد و در هرات بر مذهب تسنن مشی می‌نمود (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۱۲۱). او صاحب دو تفسیر فارسی به نام تفسیر موجز "مواهب علیه" و تفسیر مفصل "جواهرالتفسیر" می‌باشد که بویژه تفسیر اخیر وی، با نثری زیبا کتابت شده است. مواهب علیه با چاپی قدیمی به سال ۱۳۱۷ش. توسط سید محمدرضا جلالی نائینی و بارها با نام "تفسیر حسینی" در میان فارسی‌زبانان کشورهای شرق ایران، در حاشیه قرآن چاپ شده است و اخیراً جلد اول جواهرالتفسیر مشتمل بر مقدمه و فاتحه‌الکتاب با مقدمه و تحقیق دکتر جواد عباسی توسط نشر مکتوب به چاپ رسیده است. مفسر ما از این دو تفسیر بهره فراوانی برده است و بویژه در ترجمه آیات آن، عبارات یکسان است. ۲. از جمله در سوره بقره پس از بیان داستان ذبح بقره می‌گوید: «و به این طریق که قصه بقره مذکور شد، طریق جمهور مفسران است».

۳. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۳۵ سوره بقره.

۴. همان، ذیل آیه ۵۷ سوره بقره.

شوند. آنها نیز داشته‌های ذهنی خود شامل درست و نادرست را به عنوان اطلاعات معتبر کتاب مقدس به مسلمانان ارائه می‌دادند. این داستان‌های ساختگی که بعدها با عنوان "اسرائیلیات" نامبردار شد، پس از نقل شفاهی در قرون اولیه اسلامی، هم چون وصله‌ای ناجور وارد میراث مکتوب مسلمانان شد. ورود این افسانه‌ها به تفاسیر، اگرچه ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر بود، اما محکی شد برای سنجش مهارت تفسیری مفسران که از این آزمون، جز معدودی از آنها نتوانستند به سلامتی عبور کنند.

مؤلف تبیان سلیمانی در نقد داستان‌های اسرائیلی، وارد شده از منابع تفسیری اهل سنت، بویژه در صورتی که روایتی از اهل بیت (ع) بر خلاف آن موجود باشد، شجاعت بیشتری به خرج می‌دهد^۱، اما اگر مطالب شبه اسرائیلی ریشه در روایات و منابع شیعی داشته باشد، سعی می‌کند بدون هیچ توضیحی از کنار آن بگذرد^۲.

ماجرای دو فرشته هاروت و ماروت در آیه ۱۰۲ سوره بقره که برای آموزش سحر به مردم، به زمین آمدند تا مردم در پرتو آگاهی از سحر، در مقابل سحر ساحران و شیاطین ایستاده، با آنها مبارزه کنند، یکی از مبادی ورود اسرائیلیات می‌باشد. میرزامحمد مشهدی در تفسیر تبیان سلیمانی، این ماجرا را با تمامی جزئیات از جواهرالتفسیر کاشفی و معالم‌التزیل بغوی نقل می‌کند و تنها ردیه‌ای که بر آن می‌زند این که تبدیل شدن زن فاسد را به ستاره زهره ضعیف می‌داند^۳.

یکی دیگر از نمونه‌های ورود اسرائیلیات به حوزه تفسیری مسلمانان، مربوط به نحوه آفرینش حوا از پهلوی چپ آدم (ع) می‌باشد که مفسر پس از بیان دیدگاه صاحب جواهرالتفسیر می‌گوید: «این که نقل شد از جواهرالتفسیر که مشتمل بر این بود که حوا از ضلع چپ آدم مخلوق گردید، موافق مشهور و مطابق مذهب جمهور است و حق آن است که حوا از ضلع ایسر آدم مخلوق نیست، بلکه از طینت او مخلوق است»^۴.

۱. از این جمله است نقد دیدگاه خلقت حوا از دنده چپ آدم (ع).

۲. از این جمله است داستانی که در رابطه با ذبح بقره از کتاب "تأویل الآيات الظاهرة" نقل می‌کند با این مضمون که جوانی که از دارائی دنیا گاو داشت، از آن جا که ذکر لبش همواره صلوات بر محمد (ص) و علی (ع) بود، روزی آن دو حضرت را می‌بیند که می‌فرمایند به سبب محبتی که به ما داری، جبران بخشی از این محبت بر ما فرض است، به زودی بنی اسرائیل به گاو تو محتاج می‌شوند، آن را جز به صلاح مادرت نفروش و ...

۳. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۱۰۲ سوره بقره.

۴. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۳۵ سوره بقره.

وی در تأیید درستی نقد خود، روایتی از امام صادق (ع) می آورد مبنی بر این که حوا از همان خاک آدم سرشته شده است نه از دنده ی چپ او.

رویکرد مفسر به نکات ادبی

آشنایی مفسر با علوم مختلف ادبی، از مهم ترین شرایط ورود به عرصه خطیر تفسیر است. تا مفسر ساختار لفظی و ترکیبی واژگان را نشناسد و بر نکات بلاغی وقوف نداشته باشد، امکان بهره گیری از قرآن کریم، این معجزه الهی و شاهکار ادبی را نخواهد داشت. هر یک از مفسران به فراخور مهارت شان در علوم ادبی، از این دانش ها در شرح و توضیح آیات بهره گرفته اند، تا جایی که تفاسیر برخی از آنها گرایش ادبی به خود گرفته است. تفاسیری چون کشاف، جوامع الجامع، تبیان، انوارالتنزیل و ... در این حیطة طبقه بندی می شوند (رضایی کرمانی، ۱۳۸۰: ۵۷).

بررسی رویکرد مفسر در مباحث ادبی (لغت، نحو و بلاغت) ما را به این نکته رهنمون می سازد که وی برای این مباحث و نقش آنها در فهم و تفسیر قرآن، اهمیت ویژه ای قائل بوده است. رویکرد وی در مباحث نحوی عموماً به گونه ای است که تفاوت های نحوی را بدون اشاره به اختلاف دیدگاه نحویان، در ترجمه ای که از آیات ارائه می دهد منعکس می سازد. برای نمونه ذیل آیه "أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَضْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ" (قرآن، بقره: ۱۷۵) به نقش های مختلف "ما" در ترجمه آیه اشاره می کند و می گوید: «فَمَا أَضْبَرَهُمْ» پس چه چیز ایشان را شکیبا گردانید^۱ یا چه شکیباند^۲ ایشان (عَلَى النَّارِ) بر آتش دوزخ که ابدالابدین در آن بمانند^۳. یا ذیل آیه "يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا" (قرآن، بقره: ۲۰) در باب متعدی یا لازم بودن فعل "أضاء"^۴ به صورتی خلاصه در ترجمه

۱. در صورتی که "ما" را استفهامیه بگیریم.

۲. در صورتی که "ما" تعجیبیه باشد.

۳. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۱۷۵ سوره بقره.

۴. بنابراین که "أضاء" فعل لازم باشد.

آیه می گوید: «(کَلَّمَا أَضَاءَ) هر گاه بدرخشد برق^۱ یا روشن کند راه را^۲». تبیین معنای واژگان و مفردات آیه و اشاره به معرّب یا اصیل بودن واژه در زبان عربی، میزان قابل توجهی از تلاش مفسر را به خود اختصاص داده است. نمونه هایی که در ذیل می آید، گویای این تلاش تفسیری است:

- ملت در لغت، راه روشن است و در شرع آن چه خداوند تعالی بر زبان انبیاء برای بندگان مشروع گردانیده.^۳

- ابراهیم لفظی است سریانی و ابراهام لغتی است در او و معنی هر دو به عربی "أب رحیم" است، یعنی پدر مهربان.^۴

- ایلاء در لغت، مطلق سوگند است و در شرع سوگند خوردن زوج دائمی بر ترک وطی زوجه زیاده از چهار ماه [باشد].

- خلیفه در لغت آن را گویند که از پس دیگری آید و قائم مقام وی باشد و "تای" او برای مبالغه است، چون علامه و جمع او نظر به اصل "خلفا" باشد، چون عظیم و عظما و ملائکه جمع ملک است که در اصل مالک بوده از "ألوکه" گرفته اند، به معنی رسالت یعنی رسولان.^۵

- زکریا به لغت عبرانی، به معنی کثیرالذکر است.^۶ دانش بلاغت که مشتمل بر علم معانی، بیان و بدیع می باشد از دانش های رشد یافته در پرتو قرآن کریم است و در این میان، یکی از وظایف علم معانی در بلاغت که عهده دار بررسی جمله از حیث خیر و انشاء می باشد کمک به انسان جهت انتقال صحیح اندیشه ها و احساسات، به دیگران است و جمله خبری، از ابزارهای سخن در این زمینه است. قرآن کریم جمله خبری را در اوج بلاغت و زیبایی به کار برده و جهت تفهیم مخاطب، علاوه بر معانی ظاهری، معانی دیگری نیز از جمله خبری اراده نموده

۱. بنا بر متعدی بودن "اضاء".

۲. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۲۰ سوره بقره.

۳. ذیل آیه ۱۲۰ سوره بقره.

۴. ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره.

۵. ذیل آیه ۲۲۶ سوره بقره.

۶. ذیل آیه ۳۰ سوره بقره.

۷. ذیل آیه ۳۷ سوره آل عمران.

که بر این زیبایی افزوده است. مفسران پیشین گام‌های بلندی در این زمینه برداشته و هر یک به فراخور حال خود، معانی تازه‌ای از جملات خبری قرآن کریم ارائه داده‌اند (فاضلی و نگارش، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

برخی از معانی بلاغی جمله خبری عبارتند از: تهدید، تحذیر، انکار، توبیخ، ترغیب، تسلی، نهی، تعجب، مبالغه، نفرین، عذرخواهی، تعظیم و ... (همانجا). میرزامحمد مشهدی معانی مختلف جمله خبری را مد نظر داشته و در تفسیر از آنها بهره گرفته است از جمله:

- ذیل آیه ۱۰۱ بقره می‌گوید: «كَانَهُمْ» گوئیا که این رهبانان (لَا يَعْلَمُونَ) نمی‌دانند، زجر و تهدید است، یعنی می‌دانند که قرآن کتاب‌الله است و محمد صلی‌الله‌علیه‌و آله پیغمبر مبعوث در آخرالزمان، اما تجاهل می‌کنند و از روی حسد و استکبار اعراض می‌نمایند و هر که چیزی داند و بدان کار نکند، حکم کسی دارد که بدان جاهل است.^۱

- ذیل آیه "وَأَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ" (قرآن، بقره: ۱۲۶) می‌گوید: «و درخواست اختصاص رزق به مؤمنان جهت ترغیب کفار است به اسلام».^۲

رویکرد مفسر به اسباب نزول

اسباب نزول از مهم‌ترین دانش‌هایی است که پیوند متن قرآنی با واقعیت را نشان می‌دهد. تاریخ به ما می‌گوید که قرآن در مدت بیست و چند سال به صورت پاره پاره نازل شده و بسیاری از آیات به سبب خاصی فرود آمده‌اند. مفسران نیک دریافته‌اند که یکی از شروط مهم فهم معنای قرآن، شناخت حوادثی است که سبب نزول این آیات بوده است (ابوزید، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

سبب نزول و شأن نزول فارغ از تفاوت‌هایی که با هم دارند، در تفاسیر پیشین به یک معنا به کار می‌رفته است و هر مناسبتی را که ایجاب کرده است آیه یا آیاتی نازل شود، گاه سبب نزول و گاه شأن نزول گفته‌اند (معرفت، ۱۳۷۵: ۶۵). میرزامحمد مشهدی به مقوله شأن نزول آیات و سوره‌اهتمام خاصی داشته است و آنها را با جزئیات و قلم‌پردازی

۱. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۱۰۱ سوره بقره.

۲. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۱۲۶ سوره بقره.

خاصی به تصویر می کشد. از این رو، کمتر آیه ای را می توان سراغ گرفت که مفسر ماجرا یا داستانی را به عنوان شأن نزول آیه بیان نکرده باشد.^۱

نکته شایان ذکر در این خصوص این که شأن نزول های واقعی از روایات تطبیقی و بیان کننده مصادیق، جدا نشده است^۲ و مفسر بر پایه این پیش فرض که آیات بسیاری در شأن اهل بیت (ع) و دشمنان آنها نازل شده است، شأن نزول واقعی آیات را همان روایاتی می داند که مصادیق آیات را متذکر شده و آنها را بر اهل بیت (ع) و شیعیان تطبیق داده است. در ذیل به دو نمونه از این گونه تطبیق ها اشاره می شود:

- ذیل آیات اولیه سوره بقره که اوصاف متقین را بیان می دارد می گوید: «و در تفاسیر^۳ مذکور است که این آیت ها که گذشت در شأن مؤمنان است از اهل اسلام و اهل کتاب چون عبدالله بن سلام^۴ و اصحاب او و بنابر آن احادیث که گذشت در شأن مطلق شیعیان امیرالمؤمنین - رضوان الله علیهم - است که به صفات مذکوره قیام داشته باشند»^۵.

- ذیل آیات ۶ و ۷ سوره بقره که اوصاف منافقان را بر می شمارد چنین می گوید: «در اکثر تفاسیر مذکور است که این دو آیه در شأن کفار و مشرکانی است که حق سبحانه و تعالی دانست که بر کفر میروند، چون ابوجهل و کشتگان روز بدر^۶ و احادیثی که سابقاً

۱. از جمله ذیل آیات ۵، ۷، ۲۰، ۴۴، ۱۵۴، ۱۶۸، ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۴ و ... از سوره بقره.

۲. بسیاری از روایاتی که در تفاسیر روایی به عنوان روایات تفسیری مطرح شده است، در پی تفسیر آیه نیستند، زیرا تفسیر یعنی بیان معانی الفاظ و جمله های قرآنی در حالی که بیشتر آن احادیث از این قبیل نیست، بلکه در پی تطبیق آیه بر برخی از مصادیق و در موارد فراوانی تطبیق بر بارزترین مصادیق آن است. بنابراین چنین روایاتی بر فرض صحت و تمامیت سند و جهت صدور، هرگز گستره شمول و عموم معنای آیه را محدود نمی کند و بیان مصادیق کامل یا یک مصادیق، مصادیق دیگر را نفی نمی کند. فایده و نقش روایات تطبیقی آن است که با تبیین برخی مصادیق آیه، مفسر را در ارائه معنای کلی راهنمایی می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۶۷).

۳. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: طوسی، بی تا، ج ۱: ۵۶؛ طبرسی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۸۷.

۴. عبدالله بن سلام بن حارث اسرائیلی، کنیه اش ابویوسف و نامش در جاهلیت حصین بود که پیامبر (ص) وی را عبدالله نام نهاد. وی از احبار یهود بنی قینقاع و جزو باسوادترین یهودیان مسلمان شده بود که در سال ۴۳ق. در مدینه درگذشت. برخی مفسرین نزول آیات ۱۱۳ آل عمران، ۴۳ رعد، ۱۰ احقاف و ... را در شأن وی دانسته اند. با وجود مقام والای علمی، برخی از اسرائیلیات نیز از طریق وی به تفاسیر راه یافته است، لذا منقولات وی نیز هم چون سایر صحابه بایستی مورد ارزیابی قرار گیرد (برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۵۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۲۱۹؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱).

۵. تبیان سلیمانی، ذیل آیات ۱ تا ۵ سوره بقره.

۶. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: طوسی، بی تا، ج ۱: ۵۹؛ طبرسی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۹۳.

مذکور شد، دلالت بر آن داشت که در شأن مخالفان اهل بیت وارد است.^۱

تناسب آیات و سور

یکی از مباحث ارزشمند علوم قرآنی، مسأله‌ی تناسب آیات و سور قرآن کریم است. این تناسب و ارتباط در واژگان قرآنی، در درون یک آیه یا آیات هر سوره نمایان است. توجه به این ویژگی قرآن کریم، در فهم و تفسیر صحیح این کتاب الهی نقش مهمی دارد و در پی بردن مفسر به ظرافت‌های معنایی و برخی اسرار آن کمک شایانی می‌کند (قانع، ۱۳۸۶: ۷۶).

با این وجود که هم‌گان بر هماهنگی و انسجام قرآن کریم تأکید و اذعان دارند، اما دیدگاه‌ها در این باره همسان نیست و اختلافی در حد رد و قبول در این زمینه وجود دارد. برخی ارتباط و تناسب بین آیات همجوار در یک سوره را ثابت دانسته و عده‌ای دیگر تمامی آیات سوره را مرتبط و متناسب با یکدیگر دانسته‌اند و برخی فراتر از این، مدعی تناسب و ارتباط بین تمامی سوره‌های قرآن کریم شده‌اند. در مقابل این دیدگاه تأییدی، عده‌ای کشف پیوستگی و تناسب بین آیات و بویژه بین سور را ضروری ندانسته و هدف هدایتی قرآن را محصور در این پیوستگی ندیده‌اند (معرفت، ۱۳۸۶: ۳۲) و برخی خاورشناسان نیز با غرض‌ورزی، هر نوع انسجام و همبستگی را نفی کرده‌اند (همان: ۳۳). علی‌رغم این اختلاف دیدگاه‌ها، از دیرباز هر یک از مفسران و قرآن‌پژوهان فراخور توان و نیاز زمان، سعی در کشف ارتباط و هماهنگی آیات و سور قرآن کریم داشته‌اند (حسینی، ۱۳۸۲: ۶۵۱). علاوه بر قرآن‌پژوهان^۲، مفسرانی چون طبرسی، فخر رازی، علامه طباطبائی، سعید حوئی، محمد محمود حجازی و ... این رویکرد را وجهه همت خود ساخته و به توفیقاتی در این زمینه نائل آمده‌اند.

۱. تبیان سلیمانی، ذیل آیات ۶ و ۷ سوره بقره.

۲. آثاری چون "البرهان فی مناسبه ترتیب سور القرآن" از ابن زبیر غرناطی (م. ۷۰۸ ق.)، "البرهان" زرکشی (م. ۷۹۴ ق.)، "نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور" از برهان الدین بقاعی (م. ۸۸۵ ق.)، "تناسق الدرر فی تناسب السور و الاتقان" از سیوطی، "الوحده الموضوعیه فی القرآن الکریم" از محمد محمود حجازی، "النبا العظیم" از عبدالله دراز، "چهره پیوسته قرآن" از سید محمدعلی ایازی، "ساختار هندسی سوره‌های قرآن" از محمد خامه‌گر و ... تنها گوشه‌ای از این تلاش فراگیر است (جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: حسینی، ۱۳۸۲: ۶۵۶).

میرزا محمد مشهدی از جمله مفسرانی است که در جای جای تفسیرش، مناسبت بین آیات قرآن کریم را یادآور شده و با ظرافت خاصی هر جا از نظر ظاهری ارتباط آیات سابق و لاحق قطع می‌شود، ارتباط معنوی آنها را متذکر می‌شود. مثلاً در وجه ارتباط آیه ۱۸۸ سوره بقره که از خوردن اموال مردم به ناحق باز می‌دارد و آیه بعدی که سؤال مردم از (أَهْلَهُ) را مطرح می‌سازد، می‌گوید: «چنانچه اکل اموال مردمان جایز نیست، تأخیر ادای حقوق ناس نیز از آجال آن روا نباشد و به این مناسبت، ذکر أَهْلَهُ را ردیف این حکم ساخت (وَ يَسْأَلُونَكَ) و سؤال می‌کنند تو را (عَنِ الْأَهْلِهِ از ماه‌ها)»^۱.

در نحوه ارتباط آیه ۱۵۲ سوره بقره که دعوت به شکر است و آیه ۱۵۳ آن، که امر به صبر است، می‌گوید: «و چون ختم کرد آیه سابقه را به شکر، افتتاح نمود آیه لاحق را به صبر که این دو صفت جامع جمیع خصال ایمان است»^۲.

مفسر بین آیه ۲۳۸ سوره بقره که امر به محافظت بر اوقات نماز است و آیات پیشین که مسائل نکاح و طلاق را مطرح کرده است، این گونه ارتباط برقرار می‌سازد: «بعد از بیان حقوق خلق از مَهْر دادن و مِهْر ورزیدن ذکر حقوق دین می‌کند و امور فانیه دنیاویّه جسمانیّه را به امور باقیه آخریّه روحانیّه اَرْداف می‌نماید تا معلوم شود که غرض از آفریدن خلق این‌ها است نه آن‌ها. چون ذکر ازواج و اولاد گذشته و به واسطه دلبستگی بدیشان امکان اضعاء صَلَوَات هست به محافظت بر آن امر می‌فرماید و می‌گوید که (حَافِظُوا) محافظت کنید (عَلَى الصَّلَوَاتِ) بر نمازهای فریضه به مراقبت و حدود و حقوق آن»^۳.

داستان پردازی در تبیان سلیمانی

قصص قرآن بر خلاف مفهوم رایج قصه، یعنی اسطوره و افسانه بیان واقعیاتی است که از سوی خداوند بر پیامبر عظیم الشان اسلام وحی شده است و بر اساس آیه "وَكَلَّمَ نَحْنُ عَلَیْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَ مَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ"

۱. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۱۸۸ سوره بقره.

۲. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۱۵۲ سوره بقره.

۳. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۲۳۸ سوره بقره.

(قرآن، هود: ۱۲۰) اهداف و مقاصدی برای این کار منظور شده است، مانند قوت قلب بخشیدن به نبی مکرم اسلام (ص)، آشکار ساختن راه درست و طریق حق و حقیقت، پند و موعظه و یادکرد سرگذشت ها و عواقب اعمال پیشینیان برای مؤمنان (ایرانی، ۱۳۸۴: ۹۲). میرزاحمد مشهدی دلبستگی ویژه ای به داستان های قرآنی دارد و حکمت قصه های قرآنی را "تنشيط خاطر مخاطب"^۱، "اثبات حقانیت پیامبر(ص)^۲"، "اثبات قدم مسلمانان"^۳ و... می داند.

وی گونه های مختلفی از قصص را مورد توجه قرار داده است: یک دسته از این قصص، عمدتاً مربوط به زندگانی و احوال امم پیشین بویژه بنی اسرائیل و انبیای خدا تا پیش از اسلام است. دسته ای دیگر از این قصص، ویژه دوران پیامبر اسلام (ص) و شرح غزوات، نصرت های الهی و احکام نازل شده و ... است. نقل داستان های مختلف اگر چه بر حلاوت تفسیر افزوده است لیکن همین داستان ها یکی از لغزشگاه های تفسیری را جلوی مفسر نهاده است، زیرا برخی از این قصه ها، مربوط به داستان های اساطیری و اسرائیلیات است که آنها را از تفاسیر و منابع پیش از خود بویژه جواهرالتفسیر کاشفی گرفته و گاهی از قصه پردازان نامدار اسرائیلی هم چون کعب الاحبار، وهب بن منبه، عبدالله بن سلام و ابن جریر نقل می کند. البته مواردی را به نقد می کشد هم چون نحوه خلقت حوا که پیش از این بدان اشارت رفت و در مواردی دیگر، متذکر می شود که این قصه توسط جمهور مفسرین نقل شده است تا داوری را به مخاطب واگذارد، مثلاً ذیل داستان بقره بنی اسرائیل می گوید: «و به این طریق که قصه بقره مذکور شد طریق جمهور مفسران است»^۴.

۱. مثلاً ذیل آیه ۲۴۳ سوره بقره می گوید: «بعد از بسیاری احکام برای تنشيط خواطر ایراد قصه می فرماید که او را با آیات گذشته مناسبتی هست».
۲. ذیل آیه ۲۴۳ سوره بقره بیان می دارد: «و فایده این قصه احتجاج است بر یهود که پیغمبر ما خبر داد ایشان را به آنچه صحت آن نزد ایشان محقق بود و این معنی هر آینه جز به وحی الهی روی ننماید».
۳. ذیل آیه ۱۲۷ سوره آل عمران می گوید: «ذکر قصه بدر در میان حرب احد برای آن فرمود که صحابه جمع کنند میان صبر و شکر چه یکی از این دو قصه مشتمل بر فتح و نصرت است و بر آن شکر باید و دیگری محتوی بر قتل و نهب است و در آن صبر شاید».
۴. تبیان سلیمانی، ذیل آیه ۷۳ سوره بقره.

نسخه های تبیان سلیمانی

۱- نسخه موجود در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۱۶۶۱: این نسخه ی ۱۶۴ برگه، جلد اول تفسیر تا پایان سوره مائده می باشد که به خط نسخ و نستعلیق تحریری کتابت شده است. این نسخه توسط هیچ یک از کسانی که پژوهشی درباره مؤلف انجام داده اند، رؤیت نشده و در فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزیری یزد با عنوان "تبیان" از مؤلفی نامعلوم ثبت شده است و در ظهر برگ اول، عنوان آن "تبیان الحق" و در متن ابتدا "تبیان الحسینی" ضبط شده و سپس با عنوان "تبیان سلیمانی" (با اندکی ناخوانایی بر اثر رطوبت) اصلاح شده است. این نسخه با حدود یک برگ افتادگی ناقص الآخر و تا آیه ی ۱۱۵ سوره مائده را شامل است.^۱

۲- نسخه موجود در کتابخانه شخصی علی اصغر اصغرزاده: بر این نسخه دست نیافتیم.^۲

۳- نسخه موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به شماره ۹۴۳۸: این نسخه ی ۲۱۵ برگه، جلد اول تفسیر از آغاز تا پایان سوره مائده می باشد که به خط زیبای نسخ ۲۵ سطری در سال ۱۰۸۵ق. توسط مؤلف کتابت شده است.^۳

۴- نسخه موجود در کتابخانه کاخ گلستان به شماره ۲۸^۴: این نسخه ی ۳۸۳ برگه، جلد اول تفسیر از آغاز تا پایان سوره مائده است به خط زیبای نسخ ۲۵ سطری به سال ۱۰۸۵ق. توسط محمداشرف بن محمد طبسی در مشهد مقدس کتابت شده است.^۵

۱. آغاز نسخه: «بسمله و به نستعین. سپاس بی قیاس بر متکلمی سزاست که بساط کلام را در بسیط محاورات فرق انسان انبساط داده و ...». انجام موجود نسخه: «فَإِنِّي أَعَذُّبُهُ بِسْ بِهِ دَرَسْتِي كِه مَن عَذَابِ كَنِم اَو رَا عَذَابًا لَا أَعَذُّبُهُ عَذَابِي كِه عَذَابِ كَنِم اَن نَوَعِ عَذَابِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ».

۲. ویژگی های این نسخه که در نشریه نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آمده، چنین است: تفسیر فارسی، مؤلف: میرزاحمد بن رضای قمی. در ادامه به اشتباه گفته شده: گویا همان خزائن الانوار میرزاحمدرضای امامی مؤلف جنات الخلود است. آغاز: «سپاس بی قیاس بر متکلمی سزاست که ...». انجام موجود در سوره مائده: «قال عيسى بن مريم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء ... لهذا عيسى (ع) در وقتی که طلب مائده کرد، حق سبحانه را بدین کلمه خواند».

۳. آغاز: «بسمله و به ثقتی، سپاس بی قیاس بر متکلمی را سزاست که...». انجام: «و هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و اُو بَرِ هَمِه چيزها تواناست به قدرتی که از عجز و ضعف منزّه و مقدس است جَلَّتْ [و] عَظَمَتْ قُدْرَتُهُ. تَمَّ الْجُزْءُ الْاَوَّلُ مَن التفسير الموسوم بالتبیان السلیمانی علی ید مؤلفه الفقیر میرزاحمد بن رضا المشهدی فی منتصف رجب المرجب سنه ۱۰۸۵».

۴. آتابادی، بی تا: ۱۷۳.

۵. آغاز نسخه: «بسمله، سپاس بی قیاس بر متکلمی را سزاست که ...». انجام: «تَمَّ الْمَجْلَدُ الْاَوَّلُ مَن تَفْسِيرِ الَّذِي

۵- نسخه موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به شماره ۹۴۳۹: این نسخه جلد سوم تفسیر مزبور می باشد.^۱

نتیجه

تفسیر تبیان سلیمانی با آن که در حیطة تفاسیر نقلی طبقه بندی می شود، اما دخالت دیدگاه های مفسر در حوزه های تفسیری، فقهی، کلامی، قصص قرآن و ... آن را از تفسیر روایی صرف خارج ساخته و به عنوان تفسیری روایی- درایی مطرح کرده است. مفسر با فاصله گرفتن از دیدگاه اخباری ها، اندیشه های اصولی را در تفسیر دخیل ساخته و در بسیاری از مواقع برداشت خویش از روایات را در تفسیر ترجمه واری که از آیات ارائه می دهد، منعکس نموده و در تأیید آن چند روایت را بدون ذکر سند می آورد. بررسی عملکرد میرزامحمد مشهدی در مباحث ادبی و نحوی نشان می دهد که غالباً ظرافت های ادبی را در نوع ترجمه و تفسیر آیات دخالت داده است. توجه به شأن نزول سور و آیات و داستان های قرآنی اگر چه نشان از همه جانبه نگری مفسر دارد، لیکن عدم تفکیک شأن نزول های واقعی از مصادیق و روایات تطبیقی و اسرائیلیات از نقیصه های اصلی تفسیر محسوب می شود. مفسر تناسب آیات و سور را وجهه همت خود ساخته و در جای جای تفسیرش مناسبت بین آیات قرآن کریم را یادآور شده و با ظرافت خاصی هر جا از نظر ظاهری، ارتباط آیات سابق و لاحق قطع می شود، ارتباط معنوی آنها را متذکر می شود.

آلها الشیخ الفاضل الکامل الجامع بالمنقول و المعقول میرزامحمد بن محمد رضا المشهور بالخیاط علی ید المذنب المسیء محمد اشرف ابن محمد الطیبی فی المشهدالرضوی علی مشرفه الف الصلاه و التحیه فی یوم الاحد ثامن عشر من شهر ربیع الثانی سنه خمس و ثمانین بعد الالف من هجره النبویه صلی الله علیه و آله اللهم اغفر لصاحبه و قاریه و کاتبه و جمیع المؤمنین و المؤمنات بالنبی و آله». ویژگی های نسخه: ۱- سرلوح مرصع و مذهب لاجوردی، منقش به خطوط اسلیمی با شنگرف؛ ۲- کتیبه مذهب و لاجوردی منقش به خطوط اسلیمی؛ ۳- جداول تمامی اوراق به زر و شنگرف و لاجوردی؛ ۳- آیات به شنگرف.

۱. این نسخه ی ۳۳۵ برگی، جلد سوم تفسیر از آیه ۹۵ سوره توبه تا آیه ۴۴ سوره عنکبوت می باشد که توسط علی کجوردی (قرن ۱۲ق.) کتابت شده است. آغاز: «بسمله، یَعْتَذِرُونَ عذر خواهند آورد»، انجام: «خواهد داد که به وجه احسن باشد» (آستان قدس رضوی (بی تا، ج ۱: ۵۴۵).

منابع

- قرآن کریم.
- آتابادی، بدری (بی تا). فهرست کتب دینی و مذهبی خطی کتابخانه سلطنتی، دفتر ۲۸. تهران: بی نا.
- آستان قدس رضوی. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد (بی تا). فهرست نسخه‌های خطی آستان قدس رضوی، ج ۱۱. جمعی از محققین. مشهد: آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۴ق.). تهذیب التهذیب، ج ۵. بیروت: دارالفکر.
- ابن داوود حلی، تقی الدین حسن بن علی (۱۳۸۳). رجال ابن داوود، ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق.). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۳. بیروت: دارالجیل.
- ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۱). معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن. ترجمه مرتضی کریمی نیا. تهران: طرح نو.
- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۳۷۶). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵. ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- امین، محسن (۱۴۰۳ق.). اعیان الشیعه. تحقیق و تخریج حسن امین. بیروت: دارالتعارف.
- ایرانی، محمد (۱۳۸۴). "نگاهی به شیوه کار ابوالفتوح رازی در تفسیر قصص قرآنی". آینه پژوهش، دوره شانزدهم، ش ۹۴ (مهر و آبان): ۸۸-۱۰۰.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۱). مکاتب تفسیری، ج ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- تهرانی، شیخ آقا بزگ (بی تا). الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۲. بیروت: دارالاضواء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۱. قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). امل الآمل، ج ۲. تحقیق احمد حسینی. نجف:

مطبعه الآداب.

- حسینی، احمد (۱۴۱۰ق.). *تلامذه المجلسی*. قم: مکتبه آیه الله مرعشی العامه.
- حسینی، علی اکبر (۱۳۸۲). "تناسب آیات و سور". در: *دائرة المعارف قرآن کریم*. تهیه و تدوین مرکز فرهنگ و معارف قرآن. قم: بوستان کتاب.
- حسینی جلالی، محمدرضا (۱۴۱۱ق.). "من ذخائر التراث: انجاح المطالب". *تراثنا*، ج ۲۵. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- خراسانی، محمدهاشم بن محمدعلی (۱۳۴۷). *منتخب التواریخ*. تحقیق ابوالحسن شعرانی. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۷). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*. تهران: دوستان و ناهید.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق.). *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۸. بی جا: بی نا.
- درایتی، مجتبی (۱۳۸۹). *فهرست دست نوشته های ایران (دنا)*. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). *منطق تفسیر قرآن*. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- رضایی کرمانی، محمدعلی (۱۳۸۰). *علامه شبّر و تفاسیر سه گانه*. تهران: تابان.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۲۵ق.). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ----- (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ----- (۱۴۱۵ق.). *رجال طوسی*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- فاضلی، محمد؛ نگارش، محمد (۱۳۸۲). "نگاه بلاغی مفسران به جمله های خبری در آیات قرآن". *فصلنامه مطالعات اسلامی*، ش ۶۰ (تابستان): ۲۴۷-۲۲۳.

- قانعی، علی (۱۳۸۶). "تناسب آیات قرآن کریم". [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://marifat.nashriyat.ir/node/443>. [۱۳۸۶/۱۱/۲۰]
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۶). *کنزالدقائق و بحرالفرائد*. تحقیق
آغامجتبی عراقی. مقدمه محمدهادی معرفت. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ----- (۱۳۸۷). *کنزالدقائق و بحرالفرائد*، ج ۱. تحقیق حسین درگاهی. تهران:
شمس الضحی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، ج ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محدث نوری، میرزا حسین (بی تا). "*الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی*"،
بحار الانوار. ج ۱۰۲. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۸ق.). *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*، ج ۱. مشهد:
دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ----- (۱۳۷۵). *تاریخ قرآن*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
دانشگاه ها (سمت).
- ----- (۱۳۷۹). *تحریف ناپذیری قرآن*، ج ۱. ترجمه علی نصیری. قم: مؤسسه
النشر الاسلامی.
- ----- (۱۳۸۶). *تناسب آیات*. ترجمه عزت الله مولائی نیا همدانی. قم: بنیاد معارف
اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق.). *رجال نجاشی*، ج ۱. قم: جامعه مدرسین حوزه
علمیه.